

کدام نوع بازی برای کدام نقش؟

درباره بازی شهاب حسینی در "جدایی نادر از سیمین" ساخته اصغر فرهادی

چاپ شده در : مجله ۲۴

زمان انتشار : اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

همان گونه که بازی های بیرونی و البته از درون برخاسته آل پاچینو در صورت زخمی (برایان دی پالما) و پرویز پرستویی در آژانس شیشه ای (ابراهیم حاتمی کیا) بسیار محبوب سینمادوستان و فیلم بین های ایرانی است، در مورد جدایی نادر از سیمین هم واکنش های بیرونی مرئی و محسوس و تشدیدشده شهاب حسینی به ویژه با میزان جنون آمیزی رفتار حجت - که به قول اغلب تماشاگران عادی، «آدم قاتی» ای است - از همه دل می برد و به کف زدن بسیاری تماشاگران در حین واکنش های آنی و خشونت آمیز حجت می انجامد. شخصاً در جزء جزء بازی او، مثلاً آن جا که بعد از قسم خوردن خانم قهرایی (مریلا زارعی) در دفتر مدرسه، با آمیزه ای از یأس و انزجار او را چند لحظه ای در سکوت، نگاه می کند؛ یا آن جا که در آشپزخانه پچ پچ کنان به راضیه (ساره بیات) می گوید «گناهِش گردن من» و انتظار و التهاب را در نوع تنفس اش به بیننده منتقل می کند، طوری که انگار لوله و حفره بینی اش برای ورود و خروج هوا کم آمده، به روشنی می بینم که بازی اش تا چه حد از دورن برآمده، تا کجا در عمق احساس ها و درک موقعیت اجتماعی و فردی و زیستی و روانی حجت پیش رفته و به چه میزان حتی این تأثیر رفتارهای بیرونی اش هم به آن تطبیق و همسویی درون و بیرون باز می گردد. اما در عین حال، امید چندانی ندارم که هر بیننده ای در حین تأثیر گرفتن از آن رفتارهای بیرونی، حواس اش به آن درون نگری دقیق بازیگر هم باشد. همان طور که بیننده علاقه مند به بازی های یادشده از پاچینو و پرستویی هم کار زیادی به «عمق» ادراک حسی آنها نسبت به نقش شان ندارد و همان جلوه های عینی و بیرونی برایش کافی و شاید حتی از سرش هم زیادی است. اما چیزی که نباید ما در دامش بیفتیم، مقایسه حاصل کار شهاب حسینی با بازیگران دیگر فیلم، به ویژه پیمان معادی به نقش نادر لواسانی است. این همان چیزی است که معمولاً در مباحث تحلیلی مربوط به بازیگری، از آن با این جمله یاد می کنم که: پدیده ای ثابت و واحد و دارای تعریف نظری تحت عنوان «بازی خوب» وجود ندارد. یک بازی خوب و مناسب برای یک نقش می تواند با همان

مختصات، برای نقشی دیگر نجسب و ناهمگون باشد. درست به همین دلیل است که مثلاً اگر روش بازی شهاب حسینی با این میزان فرافکنی بیرونی برای نقش نادر به کار می رفت، یا شیوه آرام تر و عمداً کم جلوه تر و کم نوسان تر پیمان معادی برای نقش حجت استفاده می شد، فیلم بزرگ فرهادی در دستیابی به این سطح متعالی از هنر بازیگری، بر قله ای که امروز قرار گرفته، نمی ایستاد. در نتیجه، نباید به این دام بیفتیم که واکنش هیجانی تماشاگر در لحظات انفجاری بازی شهاب حسینی را مترادف با سطح معمول تر بازی او بپنداریم و از ظرایف و «تناسب» آن با رفتارهای آدمی مانند حجت، غافل شویم. می توانیم احیاناً آدمی با اصولگرایی و متانت نادر را به طور سلیقه ای بیشتر از حجت درک یا قبول کنیم؛ اما نمی توانیم این قضاوت مان در خصوص نقش ها را به «بازی»ها هم سرایت دهیم و «اقتضا»ی هر نقش را نادیده بگیریم.